

Comparative Study of the Basis of Product Liability under Iranian, French and American Legal Systems

Mohammadkazem Mahtabpoor*

Received: 2020/05/04

Accepted: 2020/10/01

The production of various risky products has led to an increase in the possibility of injury to people from these products. Therefore, special systems regarding product liability have been recognized in deferent countries to protect injured people. This system has been led to “Strict Liability”. According to Iranian law, which is based on Islamic principles (Fiqh), direct and indirect damages are the basis for no-fault liability, and if the product liability concept is interpreted by Islamic principles, then no new legislation will be needed. Damage caused by the product is related to the manufacturing process and fault of the product. Therefore, it is not necessary to prove the fault of the producer or the defects of the product. If the product is not the only cause of damage, the defect must be proven. The product defect is not the only fault, but the manufacturer has also committed fraud since the consumer intended to use the intact product. So the producer is the predominant cause.

Keywords: Product Liability, Strict Liability, direct damage, indirect damage, Comparative Study, America legal system, Iran legal system, France legal system.

* PHD in Private Law, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.
Mkmahtab@gmail.com

دوفصلنامه علمی پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال بیست و دوم، شماره دوم (پیاپی ۵۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص. ۳۸۷-۴۱۲

«اتلاف و تسبیب»؛ مبنای مسئولیت مدنی کالاها در نظام حقوقی ایران

با مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا

محمد کاظم مهتاب‌پور*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

به موازات تولید کالاها متنوع و مخاطره‌آمیز، احتمال ورود زیان به اشخاص از سوی کالاها رو به فزونی است. در نتیجه نظام‌های خاص مسئولیت مدنی به منظور حمایت از زیان‌دیدگان از کالاها در حقوق کشورهای مختلف نظیر فرانسه و آمریکا به رسمیت شناخته شده است. نظام‌هایی که در نهایت به مسئولیت محض تولیدکننده منجر شده است. در نظام حقوقی ایران که از قواعد فقه اسلامی منبعث است، اتلاف بالمباشره و بالتسبیب، به عنوان مبنایی مستقل برای مسئولیت بدون تقصیر به شمار می‌رود و در صورت تطبیق مسئولیت مدنی کالاها با اتلاف و تسبیب نیازی به وضع قانون جدید نیست. در فرضی که کالا بدون دخالت سایر عوامل، منجر به ایراد خسارت گردد، زیان ناشی از کالا به فعل تولیدکننده منتسب بوده و ایراد ناگهانی خسارت ظهور در وجود عیب در کالا دارد. در چنین فرضی، تولیدکننده متلف به شمار می‌رود و بدون آنکه نیازی به اثبات تقصیر یا حتی وجود عیب باشد، مکلف به جبران خسارت وارده خواهد بود. در فرضی که عواملی افزون بر خود کالا، در ورود زیان نقش داشته باشند، انتساب زیان به تولیدکننده منوط به اثبات عیب کالا است. وجود عیب در کالا علاوه بر اینکه به خودی خود می‌تواند تقصیر به شمار رود، از آنجا که اراده مصرف‌کننده به استفاده از کالای سالم تعلق گرفته است، تولیدکننده‌ای که کالای معیوب را در اختیار او گذاشته مانند غاری است که دیگری را مغرور ساخته و از این جهت، سببی اقوا از مباشر به شمار می‌رود و این‌گونه بار مسئولیت را بر دوش خواهد کشید.

واژگان کلیدی: اتلاف بالتسبیب، اتلاف بالمباشره، مسئولیت محض، مسئولیت مدنی کالاها، مطالعه تطبیقی، نظام حقوقی آمریکا، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی فرانسه.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

پس از انقلاب صنعتی، تلاش به منظور تشویق سرمایه‌داران به شرکت در برنامه‌های تولیدی و صنعتی، منجر به پذیرش قدرت صاحبان سرمایه بر کارگاه‌ها و حمایت روز افزون از تولیدکنندگان شد. حقوق نیز به خدمت اهداف اجتماعی آمد و نظریه‌های حقوقی نظیر برقراری مسئولیت بر پایه تقصیر تولیدکننده نیز سرمایه‌داران را از اثبات بی‌تقصیری مصون داشت (کاتویان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۰).

این بی‌عدالتی منجر به گسترش اندیشه‌های جامعه‌گرایی شد و رفته‌رفته با تغییر قواعد حقوقی، راه را برای برقراری عدالت اجتماعی، حتی در جامعه سرمایه‌داری فراهم کرد و تا جایی پیش رفت که فرض را بر امکان پیش‌بینی خسارات احتمالی کالا توسط تولیدکننده گذاشت و مسئولیت را از ابتدا بر تولیدکننده تحمیل کرد (کاتویان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۲).

بدین‌سان، نظام‌های حقوقی کشورهای نظیر فرانسه و آمریکا که نظام مسئولیت مدنی کالاها در آن تابع قواعد عمومی مسئولیت و مبتنی بر تقصیر بود، به مسئولیت بدون تقصیر گرایش پیدا کرده و در نهایت رویه قضائی و حتی قانون‌گذار در این کشورها، مسئولیت محض را برای تولیدکننده برگزید. با وجود این، همچنان بار اثبات زیان، عیب کالا و رابطه سببیت بین عیب کالا و زیان وارده بر عهده زیان‌دیده قرار دارد. در نظام حقوقی ایران، اگرچه ادبیات حقوقی غنی در حوزه مسئولیت مدنی کالاها وجود دارد؛ اما تطبیق مبانی مسئولیت مدنی موجود با اهدافی که در برقراری نظام خاص مسئولیت مدنی کالاها منظور نظر است، موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. نوآوری پژوهش حاضر در تطبیق مبانی مسئولیت مدنی کالاها با نهادهای شناخته شده اتلاف و تسبیب در فقه اسلامی و حقوق ایران است که این موضوع مبین آن است که نظام حقوقی ایران در حوزه مسئولیت مدنی، همسو با تحولات جهانی بوده و می‌تواند حمایت کافی را از زیان‌دیدگان از کالاها به عمل آورد.

برای نیل به این هدف، در مبحث نخست سیر تطور مبانی مسئولیت مدنی کالاها در نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا به تفکیک در دو بند مورد بررسی قرار گرفته است و سپس در مبحث دوم، ضمن مفهوم‌شناسی و ریشه‌یابی اتلاف و تسبیب در فقه اسلامی و حقوق ایران، تلاش شده است تا مبانی مسئولیت مدنی کالاها در فرض مجرد بودن عامل زیان با اتلاف، و در فرض تعدد عوامل زیان با تسبیب، تطبیق داده شود.

۱. سیر تطور مبنای مسئولیت مدنی کالاها در نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا

در این مبحث سیر تطور مبنای مسئولیت مدنی کالاها در دو نظام حقوقی فرانسه و آمریکا به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نمایی روشن از حرکت از مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت بدون تقصیر در خصوص کالاها ارائه گردد.

۱-۱. مبنای مسئولیت مدنی کالاها در نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، پیش از تصویب «دستورالعمل اروپایی مسئولیت مدنی کالاها» هیچ مقرر خاصی در خصوص مسئولیت مدنی کالاها وجود نداشت؛ اگرچه دادگاه‌ها با استفاده از قواعد موجود در قانون مدنی این کشور، در اعمال مسئولیت محض در این خصوص تلاش‌هایی نموده‌اند (Borghetti, 2017, p. 206). به همین دلیل، گفته می‌شود که حقوق فرانسوی مسئولیت مدنی کالاها، ساخته تفاسیر دادگاه‌ها و دکترین حقوقی از قانون ناپلئون است (Bell, 2001, p. 79).

اگرچه پذیرش دستورالعمل اروپایی مسئولیت مدنی کالاها در نظام حقوقی فرانسه به سهولت امکان‌پذیر نبوده و با حدود سیزده سال تأخیر یعنی در سال ۱۹۹۸ محقق شد (Borghetti, 2017, p. 208). بحث در خصوص مسئولیت مدنی کالاها در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به طور تقریبی به سال ۱۹۷۶ باز می‌گردد که منجر به «کنوانسیون اروپایی مسئولیت مدنی کالاها در ارتباط با زیان‌های بدنی و مرگ» شد (Twigg, 2015, p. 258). سپس با تصویب دستورالعمل اروپایی مسئولیت مدنی کالاها، مسئولیت تولیدکنندگان ناشی از کالاهای معیوب در برابر مصرف‌کنندگان به طور گسترده به رسمیت شناخته شد. زمانی که این دستورالعمل در سال ۱۹۸۵ میلادی تدوین می‌شد، به عنوان یک ابزار مهم و به‌روز در برابر قواعد مدنی کشورهای عضو به شمار می‌رفت (Sportes & Ravit, p. 2019). دستورالعمل مذکور، یکی از اولین قوانین اتحادیه اروپاست که به صراحت از حقوق مصرف‌کنندگان در برابر تولیدکنندگان حمایت می‌کرد. این دستورالعمل مفهوم «مسئولیت محض» را به رسمیت شناخت، به نحوی که تولیدکننده در خصوص عیوب کالا، بدون در نظر گرفتن این موضوع که آیا عیب کالا ناشی از تقصیر وی بوده است یا نه، مسئولیت داشت.^۱

در حقوق فرانسه گام نخست در جهت حمایت از مصرف‌کننده با تصویب قانون

بیست و یکم ژوئن ۱۹۸۳ برداشته شد. ماده (۱) این قانون مقرر می‌دارد: «محصولات و خدماتی که به بازار عرضه می‌شود باید ایمنی مورد انتظار متعارف را داشته باشد» (ابدالی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۱). در نهایت کشور فرانسه در نوزدهم ماه می سال ۱۹۹۸ با اصلاح ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی، نسبت به اعمال دستورالعمل اروپایی مسئولیت مدنی کالاها و به رسمیت شناختن مسئولیت محض تولیدکننده در این نظام حقوقی اقدام نمود (Borghetti, 2017, p. 211). بند نخست این ماده مقرر می‌دارد: «تولیدکننده مسئول زیان‌های ناشی از محصول خود می‌باشد اعم از اینکه با زیان‌دیده قراردادی داشته یا نداشته باشد».^۲

به طور کلی می‌توان گفت در حال حاضر، جز در خصوص قوانین خاصی که برای برخی کالاها وضع شده است، سه نظام حقوقی متفاوت در خصوص مسئولیت کالاها در نظام حقوقی فرانسه وجود دارد (Sportes & Ravit, p. 2019):

نخست: «مسئولیت ناشی از کالاها می‌عوب» که به موجب ماده ۱۲۴۵ تا ۱۷-۱۲۴۵ قانون مدنی فرانسه در نظر گرفته شده است. بر اساس این مواد، تولیدکننده در خصوص زیان ناشی از عیب کالای تولیدی مسئولیت محض دارد، فارغ از اینکه رابطه قراردادی بین تولیدکننده و زیان‌دیده وجود داشته یا نداشته باشد. در صورتی که زیان، ناشی از عیب تولید باشد، تولیدکننده در برابر زیان وارد به اشخاص و اموال مسئولیت خواهد داشت.

دوم: «مسئولیت قراردادی» زمانی قابل اعمال است که خسارت در نتیجه نقض قرارداد ایجاد شده باشد. افزون بر این، برخی تضامین به موجب قراردادهای فروش قابل اعمال می‌باشد. مسئولیت قراردادی، سنگ‌بنای مسئولیت مدنی کالاها در نظام حقوقی فرانسه است (Duncan, 2009, p. 86). ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «طرفین قرارداد مسئول زیان ناشی از نقض تعهدات قراردادی خویش هستند». در حقوق فرانسه، طرف قرارداد نه فقط ملزم به رعایت تعهدات مندرج در قرارداد است، بلکه در خصوص تکالیفی که توسط دادگاه نیز توسعه داده می‌شود، مسئولیت دارد (Duncan, 2009, p. 86). به همین دلیل زمانی که کالاها منجر به بروز حوادث متعددی شدند، بیشتر زیان‌دیدگان بر مبنای قرارداد و به طور خاص بر اساس شرط «تضمین سلامت کالا از عیوب پنهان» تلاش می‌کردند تا زیان وارده

توسط تولیدکننده یا توزیع‌کننده را جبران سازند. تضمین سلامت کالا از عیوب پنهان که از حقوق رم باستان نشئت گرفته بود (Bell, 2001, p. 79)، در حقوق بسیاری از کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم میلادی به رسمیت شناخته شده بود. بر اساس این شرط در حقوق فرانسه، زمانی که مشتری عیبی در کالا کشف نماید، مختار است نسبت به فسخ قرارداد اقدام نموده یا آن را با دریافت مابه‌التفاوت کالای معیوب با سالم، نگاه دارد (Borghetti, 2017, p. 206)، اگرچه براساس ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه، آگاهی فروشنده از عیب کالا برای نقض تضمین سلامت کالا از عیوب پنهان ضروری بود؛ دادگاه عالی فرانسه در سال ۱۹۶۰ فرض آگاهی فروشنده‌ای را که به صورت حرفه‌ای نسبت به فروش کالا اقدام می‌نمود، به رسمیت شناخت و بر این اساس، خریدار از اثبات اطلاع فروشنده از عیب کالا نیز بی‌نیاز شد (Whittaker, 2010, p. 95). یکی از شروط توسل به شرط تضمین سلامت کالا، وجود رابطه قراردادی بین زیان‌دیده و فروشنده بود. با وجود این، دادگاه‌ها نسبت به توسعه این تعهد نسبت به همه فروشندگان، در یک زنجیره فروش اقدام نموده و در عین حال، امکان طرح دعوی مستقیم به طرفیت تولیدکننده توسط خریداری که کالا را از فروشنده جزء خریداری کرده بود، مورد پذیرش قرار دادند (Duncan, 2009, p. 87).

سوم: «مسئولیت مدنی» زمانی اعمال می‌شود که در فقدان روابط قراردادی خسارت از سوی یک شخص بر مبنای تقصیر یا سهل‌انگاری یا بر مبنای مسئولیت محض شخص مراقب در خصوص مسئولیت ناشی از اشیاء به دیگران وارد شود. در فرضی که زیان‌دیده از کالا خریدار آن نبوده باشد، به دلیل فقدان رابطه قراردادی، امکان استناد به تعهد تضمین سلامت کالا از عیوب پنهان برای وی وجود نداشت. بنابراین چنین زیان‌دیده‌ای ناگزیر از استناد به مسئولیت قهری مذکور در ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه بود. بر اساس این ماده «هر کس سبب ورود خسارت به دیگری شود، در صورت تقصیر باید جبران خسارت نماید». لذا پیش‌شرط مسئولیت تولیدکننده در برابر اشخاص ثالث، اثبات تقصیر وی در تولید و عرضه کالای معیوب بود (Borghetti, 2017, p. 207). بنابراین به لحاظ نظری، به منظور جبران خسارت ناشی

از عیب تولید، زیان دیده مکلف بود تقصیر تولیدکننده یا فروشنده را به اثبات برساند. اگرچه در این خصوص نیز دادگاه‌ها با تمرکز بر خود کالا به جای رفتار تولیدکننده موفق به کاهش بار اثباتی زیان دیده شدند (Whittaker, 2010, p. 96) به نحوی که اثبات تحویل کالای معیوب برای تحقق تقصیر، کافی بود (Duncan, 2009, p. 90).

۲-۱. مبنای مسئولیت مدنی کالاها در نظام حقوقی آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا، قواعد مسئولیت کالاها به وسیله دادگاه‌های ایالتی و نیز نظام قانونی به رسمیت شناخته شده است. با وجود این، به دلیل کامن‌لا بودن نظام حقوقی این کشور، دادگاه‌های ایالتی همواره نقش مهم و مؤثری در حوزه مسئولیت کالاها داشته‌اند. هم‌زمان با اینکه مسئولیت محض توسط دادگاه‌های ایالتی توسعه داده می‌شد، نظام قانونی برخی ایالت‌ها نیز قواعدی را برای مسئولیت مدنی کالاها وضع می‌نمود (Green & Cardi, 2017, p. 576).

در حقوق آمریکا سه نظام برای تحقق مسئولیت مدنی کالاها وجود دارد: اول. بی‌احتیاطی، دوم. نظریه تضمین و سوم. مسئولیت محض (Sudzus & Carroll, 2019). تقریباً نخستین قواعد مربوط به مسئولیت مدنی کالاها در این کشور به اواسط دهه ۱۸۰۰ میلادی بازمی‌گردد. زمانی که «نظریه نسبت قرار دادها» در سطح گسترده‌ای اعمال می‌شد. براساس این نظریه، فروشنده کالا در خصوص بی‌احتیاطی فقط در برابر خریداری که کالا را به او فروخته بود، مسئولیت داشت و خریداران بعدی نمی‌توانستند دعوای خود را مستقیماً به طرفیت تولیدکننده کالای معیوب طرح نمایند؛ زیرا با او رابطه قراردادی نداشت (Hylton, 2016, p. 332).

پیش از سال ۱۹۶۳، طرح دعوا در دادگاه‌های آمریکا به منظور مطالبه جبران زیان جانی یا مالی ناشی از کالاها، بر مبنای بی‌احتیاطی و یا نقض تعهد تضمین، صورت می‌پذیرفت. البته بی‌احتیاطی به طور وسیع بر دعوای زیان جانی یا مالی قابل اعمال بود، بنابراین زیان‌های ناشی از کالا نیز زیر چتر فراخ بی‌احتیاطی قرار می‌گرفت.^۳ نقض تعهد تضمین، متعلق به روابط قراردادی است، اگرچه برخی دعوای مبتنی بر تضمین نظیر تضمین ضمنی از ویژگی‌های دعوای مسئولیت مدنی برخوردار است. از سال ۱۹۵۰ میلادی، زمانی که قانون متحدالشکل تجاری آمریکا به تصویب رسید، دعوای نقض

تعهد تضمین در خصوص کالاها، زیر پوشش این قانون درآمد. بنابراین مانند نظریه بی احتیاطی، بسیاری از زیان‌های شخصی ناشی از کالاها، براساس نظریه نقض تعهد تضمین نیز قابل پیگیری است (Green & Cardi, 2017, p. 578).

در دهه منتهی به ۱۹۶۰ میلادی برخی قضات و محققان برجسته آمریکایی این موضوع را مطرح نمودند که بی احتیاطی و تعهد تضمین، برای جبران زیان‌های ناشی از کالاها کافی نبوده و مسئولیت مدنی کالاها باید تحت حاکمیت قواعد مسئولیت محض قرار گیرد (Green & Cardi, 2017, p. 578). دادگاه‌هایی که نسبت به اعمال نظریه بی احتیاطی اقدام می نمودند، قبلاً این قاعده را نیز به رسمیت می شناختند که یک تولیدکننده مکلف است مراقبت‌های لازم را به عمل آورد به نحوی که کالای تولیدی منجر به بروز زیان‌های قابل پیش‌بینی برای مصرف‌کننده یا اشخاص ثالث نگردد. فارغ از اینکه رابطه قراردادی بین تولیدکننده و زیان‌دیده وجود داشته باشد یا نه. افزون بر این، برخی دادگاه‌ها اعتقاد داشتند که این تعهد ضمنی که یک کالا برای استفاده متعارف از آن مناسب و ایمن است، همواره با آن همراه است. چنین نگرشی منجر به ایجاد مسئولیت محض برای تولیدکننده می‌شود، چرا که به جای تعهد به مراقبت برای تضمین سلامت کالا، تعهد بدون قید و شرط به ایمنی را برعهده تولیدکننده می‌گذارد. با وجود این، توسل به تعهد ضمنی تضمین، صرفاً در روابط قراردادی مورد پذیرش دادگاه‌ها بود (Green & Cardi, 2017, p. 578).

در دعوای مبتنی بر بی احتیاطی، بار اثبات مسئولیت برعهده زیان‌دیده است. این در حالی است که به خصوص در مورد کالاهای با تولید انبوه اثبات این موضوع که تولیدکننده در تولید کالا بی احتیاطی نموده است، برای زیان‌دیده دشوار خواهد بود. برای رفع این مشکل در بی احتیاطی، نظریه‌ای مبنی بر «موضوع خود گویای واقعیت است» وجود دارد. براساس این نظریه زیان‌دیده باید نسبت به ترسیم شرایط تحقق زیان و نحوه ورود خسارت اقدام نماید به نحوی که در نهایت نشان دهد که زیان در شرایط و به نحوی وارد شده که تمامی تحت هدایت طرف مقابل بوده است و با اثبات این امر، طرف مقابل را ناگزیر از جبران زیان نماید (Ivory, 1937, p. 46). این قاعده در نهایت می‌تواند منجر به فرض تقصیر در دعوای مطالبه خسارات خارج قراردادی گردد

(جعفری تبار، ۱۳۹۶، ص. ۲۹). با وجود این، به دلیل اینکه قاعده مذکور یک قاعده مستقل حقوقی به شمار نمی‌رود؛ بلکه قاعده‌ای است ناظر به اسنادی که توسط دادگاه به رسمیت شناخته می‌شود (Tuner, 1936, p. 3)، همیشه نتیجه مطوب را به دنبال نداشته و گاه دادگاه تقصیری را از شرایط ورود زیان احراز نمی‌کند.^۴

از سال ۱۹۳۵ نظریه مسئولیت محض در خصوص کالاهای مصرفی و مواد خوراکی به رسمیت شناخته شده بود و رفته‌رفته این مسئولیت به وسایل نقلیه موتوری و سایر تولیدات نیز تسری پیدا کرد (McKennett, 1967, p. 113). با وجود این، می‌توان گفت نخستین تلاش‌ها در خصوص قانون‌گذاری مسئولیت مدنی کالاها در سال ۱۹۶۵ میلادی و با انتشار اعلامیه دوم مؤسسه حقوق آمریکا صورت پذیرفت (Hylton, 2016, p. 340). بند (۱) ماده (۴۰۲) الف اعلامیه مذکور مقرر می‌دارد: «هر کس کالای معیوبی را بفروشد که برای مشتری، مصرف‌کننده یا اموال ایشان خطر نامتعارفی را ایجاد نماید، مسئول زیان‌های وارده به جسم و اموال آخرین مصرف‌کننده یا مشتری خواهد بود...».

۲. تطبیق مسئولیت مدنی کالاها با اتلاف و تسبیب در حقوق ایران

به منظور امکان‌سنجی تطبیق مسئولیت مدنی کالاها با اتلاف و تسبیب و با توجه به اختلاف‌نظرهایی که در خصوص وحدت یا تعدد مبانی اتلاف و تسبیب وجود دارد لازم است بدو مفهوم اتلاف و تسبیب مورد بررسی و ریشه‌یابی قرار گیرد تا با تعیین جایگاه دقیق این دو مفهوم در فقه اسلامی و حقوقی ایران، زمینه این امکان‌سنجی فراهم گردد.

۲-۱. مفهوم‌شناسی و ریشه‌یابی اتلاف و تسبیب در فقه اسلامی و حقوق ایران

مطالعه آثار برجسته فقهی از سده چهارم تا پایان سده چهاردهم هجری قمری، نمایانگر آن است که موضوع «تسبیب» و برشمردن آن به عنوان یکی از موجبات ضمان قهری در برابر «مباشرت در اتلاف»، از سده هفتم هجری و توسط فقیه نامدار، محقق حلی مطرح شده است.

به طور مثال پیش از سده هفتم هجری قمری در باب شهادت دروغ گفته شده است که اگر عین مال باقی باشد، به صاحب آن رد می‌شود و اگر باقی نباشد به میزانی که مال

شخص اتلاف شده است، شاهد ضامن خواهد بود (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص. ۵۹). همچنین در باب ضمان ناشی از حیوانات، گفته شده که در صورتی که حیوان در دست صاحب آن باشد و بر اثر عبور از کشت و زرع اشخاص، به آنان زیانی وارد آید، صاحب حیوان مسئول خواهد بود چرا که اتلاف مال توسط حیوان مانند اتلاف مال توسط صاحب آن است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص. ۷۹).

بنابراین موضوع شهادت دروغ یا زیان ناشی از حیوانات که بعد از سده هفتم هجری در آثار فقها از باب ضمان ناشی از تسبیب مطرح شده، پیش از آن ذیل ضمان ناشی از اتلاف و بدون تقسیم آن به مباشرت و تسبیب مورد بحث قرار گرفته است. اگرچه در آثار بعضی از فقها در سده پنجم هجری قمری، به مفهوم تقصیر اشاره شده است؛ اما این موضوع مبنایی برای جدا کردن مباشرت در اتلاف از تسبیب مطرح نشده و همچنان موضوع ذیل عنوان اتلاف بحث شده است.^۵ در سده ششم هجری قمری نیز ضمان شخصی که کالایی را روی سر خود حمل می‌کند، در صورتی که بر اثر افتادن کالا شخص دیگری آسیب ببیند، ذیل عنوان اتلاف مورد بحث قرار گرفته است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۳۶۸).

محقق حلی در سده هفتم هجری قمری این‌گونه ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب را از یکدیگر منفک می‌سازد: بحث از موجبات ضمان، یا در خصوص مباشرت است، یا تسبیب و یا تراحم موجبات. اما ضابطه مباشرت، اتلاف است بدون آنکه قصد آن وجود داشته باشد. مانند آنکه تیری را نشانه رود و به انسانی برخورد نماید (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۰۱۹). ضابطه تسبیب نیز این است که سبب آن چیزی است که اگر نباشد، تلف ایجاد نمی‌شود، اما علت تلف چیزی غیر از آن است^۶ (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۰۲۴).

فقهای قرن هشتم هجری قمری نیز اگرچه از تفکیک ارائه شده توسط محقق حلی تبعیت نموده‌اند و به تلاش برای پیدا کردن ضابطه‌ای برای تعریف مباشرت و تسبیب از سوی فقها پرداخته‌اند؛ اما بر واحد بودن منشأ ضمان در اتلاف به مباشرت و به تسبیب این‌گونه تأکید شده است که؛ موجب دیه، اتلاف است، فارغ از اینکه به مباشرت صورت پذیرد یا به تسبیب. مباشرت عبارت است از فعلی که بدون هیچ قصدی، منجر

به اتلاف گردد. بنابراین پزشک هر چند زبردست باشد، ضامن تلف ناشی از معالجه است در صورتی که کوتاهی کرده باشد یا محجوری را بدون اذن ولی یا بالغی را بدون اذن او مداوا نموده باشد (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۲۲۲).

اندیشه مطرح شده توسط محقق حلی تا قرن سیزدهم هجری توسط فقها مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد و فقها به ارائه تعاریف و ضوابطی برای تبیین تفاوت مباشرت و تسبیب می‌پردازند تا اینکه در قرن سیزدهم هجری، این اندیشه توسط فقیه نامدار محمد حسین نجفی، به اوج خود می‌رسد.

افزون بر غصب، اسباب ضمان عبارت است از اول؛ مباشرت در اتلاف اعم از اینکه مال تلف شده عین باشد یا منفعت و دوم؛ تسبیب که ناظر به فعلی است که اتلاف به سبب آن ایجاد شده است مانند کندن چاه (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص. ۴۶) و نیز شهادت دروغ (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص. ۴۷).

سبب عبارت است از ایجاد آن چیزی که تلف از آن حاصل می‌گردد، مشروط بر اینکه با این قصد صورت پذیرد که از آن انتظار ایجاد علت تلف برود (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص. ۵۰ و نیز محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص. ۲۰۷ و نراقی، ۱۴۲۲ق، ص. ۴۳۳). با وجود این داشتن قصد ایجاد علت، در بسیاری از مثال‌ها نظیر کندن چاه که تسبیب بودن آن مورد اتفاق فقهاست، وجود ندارد.

در برخی از مثال‌ها نظیر اینکه شخصی دیگری را زندانی نماید و شخص اخیر بر اثر گرسنگی تلف شود، ضمان بر عهده سبب گذاشته شده است، «به دلیل استناد عرفی زیان به سبب» چرا که اگر سبب نبود، علت اثر نمی‌کرد (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۷، صص. ۴۸-۴۹).

در مقابل در قرن سیزدهم هجری قمری به این موضوع تأکید می‌شود که این امکان وجود ندارد که به شخص متلف اطلاق مباشرت یا سبب را نمود، چرا که مباشرت و تسبیب اختصاصی به مرتبه خاصی ندارد؛ بلکه ممکن است سبب یا سبب سبب باشد و این سلسله همچنان بالا رود و دور شود. بنابراین منشأ مسئولیت، همواره اتلاف است و اینکه عرفاً عنوان متلف به شخص صدق نماید. تحدید اتلاف به مباشرت و تسبیب به منظور احصاء مواردی بوده است که عرف اتلاف را محقق می‌داند (حسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۳۵). بنابراین صدق عرفی تلف به شخص، معیار ضمان ناشی از اتلاف

است (حسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۳۵). مثال‌هایی که در خصوص اتلاف و تسبیب بیان می‌شود، اختصاص به بیان حکم نداشته و صرفاً به منظور تبیین مصادیقی است که عرف زیان را به شخص منتسب می‌نماید (حسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۳۶).

همچنین در قرن چهاردهم هجری قمری تأکید می‌شود که اسباب ضمان غیر از ضمان ید، دو قسم بوده و عبارت است از مباشرت در اتلاف و تسبیب؛ اما مرجع هر دو به اتلاف باز می‌گردد (رشتی، بی‌تا، ص. ۲۹). در واقع در روایات برای آنچه موجب ضمان می‌گردد حد مشخص یا وصف معینی بیان نشده است و فقها آنچه به صورت تسبیب باعث اتلاف می‌شود را به عنوان یکی از اسباب ضمان برشمرده و خود نیز در خصوص تعریف و تفسیر سبب اختلاف نظر فراوان دارند (کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ص. ۱۵).

بنابراین دلیل قاطعی برای تفاوت مبانی اتلاف و تسبیب در فقه تبیین نشده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸). به همین دلیل چنان‌که ملاحظه شد از سده هفتم هجری قمری فقهای شیعه مهم‌ترین بحث «اتلاف» را به «مباشرت» و «تسبیب» اختصاص داده و براساس رابطه علت و معلولی بین فعل ضامن و حالت اتلاف، این رابطه را به دو صورت «اتلاف بالمباشره» و «اتلاف بالتسبیب» مورد بحث قرار داده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰).

با وجود این، در قانون مدنی به تبعیت از تفکیکی که برخی از فقها بین اتلاف و تسبیب نموده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ص. ۲۵۴ و لطفی، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۳)، این دو عنوان در مباحث دوم و سوم از فصل دوم (در ضمان قهری) به عنوان موجبات مستقل ضمان قهری تلقی شده است. شرح‌نویسان نخستین قانون مدنی به رغم تبعیت از تقسیم‌بندی قانون مدنی، بر این باورند که «حکم تلف کردن مال غیر، خواه بالمباشره و مستقیماً باشد و خواه با تسبیب و به طور غیرمستقیم، همان است که در مورد اتلاف ذکر شد» (عدل، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۵). همچنین ضابطه تحقق تسبیب را این‌گونه بیان می‌دارند که «برای این که یک نفر مسبب تلف مال غیر محسوب شده و از این حیث مسئول خسارات وارده بر صاحب مال گردد باید مسبب بودن او حقیقی باشد یعنی تلف شدن مال را واقعاً بتوان به او منتسب نمود» (عدل، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۶). همچنین گفته شده است که «در ادله دال بر ضمان شخص متلف از مباشرت و تسبیب ذکری

نشده» (حائری شاه‌باغ، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۳۱۷) و «آنچه به اجماع مسلمانان موجب ضمان است فقط اتلاف است، النهایه اتلاف به دو نحو ممکن است صورت گیرد: به مباشرت و به تسبیب. جامع بین این دو بر حسب نظر دقیق آن است که تلف عرفاً مستند به شخص باشد» (حائری شاه‌باغ، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۳۱۷).

در مقابل برخی از حقوق‌دانان که در آثار خود تلاش نموده‌اند تا قواعد فقه اسلامی را با قواعد حقوق فرانسه تطبیق دهند، اتلاف را مبتنی بر نظریه مسئولیت و تسبیب را مبتنی بر نظریه تقصیر دانسته و به این ترتیب بین اتلاف و تسبیب قائل به تفکیک شده‌اند (امامی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص. ۶۶۱-۶۶۲). همچنین برخی دیگر که وجود تقصیر را شرط ایجاد مسئولیت در تسبیب قلمداد نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۱۲)، اذعان دارند که «لزوم تقصیر در هیچ ماده‌ای به صراحت نیامده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۱۲) و بر این باورند که در تسبیب «دست‌کم در بسیاری موارد، تقصیر در ایجاد ضمان اثر دارد و... لزوم تقصیر به معنای اجتماعی و نوعی، برای احراز رابطه علیت میان فعل زیان‌بار و ضرر، ضروری است» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۵۰).

بنابراین در پاسخ به آنان که تقصیر را از مهم‌ترین ملاک‌های مثبت مسئولیت ناشی از تسبیب می‌دانند و بر این باورند که تقصیر، شخص مسئول و میزان مسئولیت را تعیین می‌کند (پوربافرانی؛ یگانه دلپاک، و طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۷۷)، باید گفت این‌گونه نیست که تقصیر شرط تحقق تسبیب و از ارکان آن به شمار رود؛ زیرا:

اولاً. ضمان از احکام وضعی است و اراده در آن نقش ندارد. به همین دلیل است که اگر صغیر، مجنون یا غیرقاصد نیز خسارتی به غیر وارد نمایند، مسئول جبران آن خواهند بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۵۸؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴ و صالحی‌راد، ۱۳۷۸، ص. ۴۱)، توضیح آنکه احکام شرعی (قانونی) به دو دسته احکام تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شود. حکم تکلیفی آن دسته از احکام است که به طور مستقیم به افعال مکلفین مربوط است و آنچه حکم تکلیفی نباشد و به افعال مکلفین تعلق نگیرد؛ بلکه وضع مشخص و معینی را قانون‌گذاری نماید که به طور غیرمستقیم بر اعمال انسان اثر گذارد را حکم وضعی نامند (اسماعیل تبار، ۱۳۸۲، صص. ۳۶-۳۷). بنابراین زمانی که گفته می‌شود تسبیب موجب ضمان است، «تسبیب» فعلی است که توسط مکلف انجام می‌شود و می‌تواند موضوع حکم

تکلیفی حرام، واقع شود؛ در حالی که «ضمان» به معنای اشتغال ذمه ضامن است بنابراین مال مضمون، شیء به شمار می‌رود و فعلی از افعال مکلف نیست تا تابع احکام تکلیفی قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص. ۲۸). این در حالی است که در احکام وضعی به خلاف احکام تکلیفی، شرایط تکلیف از قبیل علم، عمد و اهلیت نقش و دخالتی ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص. ۲۸).

ثانیاً. در حقوق اسلامی برای تحقق مسئولیت، انتساب و استناد فعل زیان‌بار به شخص زیان‌زننده کافی است (جعفری‌تبار، ۱۳۹۶، ص. ۸۵) و تقصیر صرفاً گاهی در احراز انتساب و استناد تأثیرگذار است؛ به همین دلیل گفته شده است که حقوق اسلامی به نظریه خطر نسبت به نظریه تقصیر شباهت بیشتری دارد (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۱).

ثالثاً. داوری عرف نیز در انتساب تلف در اتلاف و تسبیب نمی‌تواند دوگانه باشد. چگونگی ممکن است محجوری که مباشرت در اتلاف کرده است، عرفاً ضامن جبران خسارت تلقی شود؛ اما ضمان رشیدی که سبب اتلاف را فراهم آورده است، منوط به اثبات تقصیر او گردد؟ (صالحی‌راد، ۱۳۷۸، ص. ۴۹) به همین دلیل است که به طور مثال قانون‌گذار در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که موضوع از مصادیق اتلاف است، ضمان را بر عهده مقصر نهاده و در ماده ۵۲۴ همان قانون در فرض تسبیب، حکم به مسئولیت بدون تقصیر داده است.

اکنون پرسش این است که اگر تقصیر رکن تحقق مسئولیت در تسبیب نیست، جایگاه تقصیر در ایجاد مسئولیت چیست؟

در پاسخ باید گفت، برای آنکه مسئولیت و ضمان برعهده شخص قرار گیرد، لازم است زیان وارده به فعل وی منتسب شده و قابل استناد باشد و برای انتساب و استناد زیان به فعل شخص، ضرورتی به اثبات تقصیر وجود ندارد. با وجود این، در صورت اثبات تقصیر نیز، تردیدی در انتساب زیان به فعل شخص وجود نخواهد داشت.

به بیان دیگر، انتساب زیان به فعل شخص یکی از ارکان مسئولیت اوست و تقصیر حد اعلاّی این انتساب است و در صورت اثبات تقصیر، تردیدی در استناد و انتساب زیان به فعل شخص مقصر وجود ندارد. اگرچه این به آن معنا نیست که در صورت

فقدان تقصیر و اثبات انتساب از طرق دیگر، مسئولیتی متوجه شخص نباشد. به طور مثال، همان‌طور که به تفصیل در بحث آتی بیان خواهد شد در فرضی که کالای معیوبی به بازار عرضه می‌گردد، عرف تردیدی به انتساب زیان ناشی از عیب کالا به تولیدکننده ندارد، اگرچه زیان در نتیجه مصرف کالا توسط مصرف‌کننده وارد شده باشد. در چنین فرضی، زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر تولیدکننده در بروز عیب در کالا ندارد. اما در همین مثال، اگر مدت مدیدی از زمان تولید کالا گذشته باشد، به نحوی که عرف بین انتساب عیب کالا به تولیدکننده یا استهلاک کالا تردید نماید، اثبات تقصیر تولیدکننده می‌تواند تردید عرف را برطرف ساخته و زیان را به فرایند تولید منتسب نماید.

همچنین ممکن است گفته شود تقصیر زمانی شرط تحقق تسبیب است که ترتب اتلاف بر سبب، متعارف و متوقع نباشد و مسبب با تمهیداتی که معمولاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، قصد اتلاف به دیگری را داشته باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲). اثبات تقصیر در چنین فرضی، می‌تواند کاستی احراز رابطه سببیت را جبران نماید و اتلاف را به مسبب مستند کند.

۲-۲. امکان سنجی تطبیق مسئولیت مدنی کالاها با اتلاف و تسبیب

مسئولیت کالاها در فرضی که قراردادی بین زیان‌دیده و تولیدکننده وجود نداشته باشد (ر.ک: امینی؛ عابدیان و کرمی، ۱۳۹۱)، به دو صورت ممکن است محقق گردد: نخست. آنکه کالا بدون دخالت زیان‌دیده یا بدون استفاده از آن منجر به ورود زیان شده باشد؛ دوم. آنکه زیان بر اثر استفاده از کالا توسط زیان‌دیده یا هر شخص دیگری به زیان‌دیده وارد شده باشد.

تفکیک بین این دو فرض از این حیث حائز اهمیت است که در فرض نخست، زیان‌دیده هیچ دخالتی در ورود زیان به خویش نداشته و اراده وی یا استفاده‌کننده از کالا به هیچ وجه، حتی به میزان استفاده از کالا نیز در ورود زیان دخیل نبوده است؛ اما در فرض دوم، زیان‌دیده دست‌کم اراده استفاده از کالای معیوب را داشته و از این حیث ممکن است مباشر اتلاف تلقی گردد و بحث تداخل مباشرت و تسبیب مطرح شود.

۲-۱. اتلاف؛ مبنای مسئولیت کالاها در فرض مجرد بودن عامل زیان

در تعریف مباشرت در اتلاف گفته شده است: «آن است که انسان شخصاً نسبت به اتلاف اقدام نماید به نحوی که اتلاف به غیر او مستند نباشد» (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص. ۷۱). همچنین عده‌ای بر این باورند که رابطه سببیت در اتلاف به سادگی قابل احراز است؛ چرا که در اتلاف رابطه علت و معلولی بین فعل شخص و زیان وارده وجود دارد و منجر شدن فعل زیان‌بار به زیان، قطعی یا دست‌کم ظنی است (قربان‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). در مقابل در تسبیب شخص سبب زیان را فراهم می‌سازد و منتج شدن فعل مسبب به زیان، احتمالی و اقتضائی است.

بنابراین در مسئولیت ناشی از اتلاف اثبات ارکان سه‌گانه مسئولیت (زیان، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت) کافی است و رابطه سببیت با استناد عرفی زیان به فعل، قابل اثبات می‌باشد. به بیان دیگر فعل موجب اتلاف به گونه‌ای است که اتلاف معمولاً به آن فعل نسبت داده می‌شود (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص. ۶۹).

برخی استفاده از ابزار برای ورود زیان را از مصادیق تسبیب تلقی کرده و بر این باورند که مباشرت مربوط به موردی است که شخصی با دست خویش و نه حتی با استفاده از ریسمان، نسبت به خفه کردن دیگری اقدام می‌کند (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵، ص. ۱۶). به طور مثال اگر کسی به سوی دیگری تیراندازی کرده و او را بکشد، عمل وی به دلیل استفاده از سلاح، داخل در باب تسبیب است. همچنین در فرضی که شخصی چوبی شعله‌ور را به سمت انبار بنزین پرتاب نماید و علت انفجار انبار را فراهم سازد؛ ممکن است چوب را واسطه بین فعل پرتاب و انفجار انبار تلقی نمایند. با وجود این، چوب وسیله‌ای است که کاملاً در اختیار پرتاب‌کننده بوده و جنبه اقتضائی در به‌وجود آمدن زیان ندارد (قربان‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). بنابراین در فرضی که اراده شخص به صورت مستقیم یا با استفاده از ابزار اعمال می‌شود، مسئولیت از باب اتلاف خواهد بود.

به همین دلیل است که برخی قائل به صدق اتلاف در فرضی هستند که راننده با وسیله‌ای که در اختیار دارد، زبانی به دیگری وارد می‌نماید اعم از اینکه زیان وارده عمدی یا غیرعمدی باشد. اما در فرضی که وسیله نقلیه از اختیار شخص خارج شده

باشد، مانند آنکه بر اثر ترکیدن لاستیک، خسارتی به دیگری وارد شود، نمی‌توان راننده را به علت اتلاف مسئول دانست (صفایی، ۱۳۸۹، ص. ۸۶).

به‌رغم اینکه گاه در افعال تولیدی، پیچیدگی وجود دارد؛ برخی از فقها نیز چنین افعالی را از مصادیق مباشرت آورده‌اند^۷ (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۱). به همین دلیل است که گفته می‌شود «هر جا که میان سبب و فعل واقع شده، اراده و اختیار فاصله ایجاد کند، انتساب عرفی منتفی خواهد بود» (بی‌نام، ۱۳۷۵، ص. ۳۵۱) حتی در مسئله اکراه نیز که شخص مکره از اراده برخوردار است، مشهور فقها ضامن را بر عهده اکراه‌کننده می‌دانند و احتمالاً فقها چنین استنباط کرده‌اند که اکراه‌شونده آلتی در دست اکراه‌کننده است (مراغی، ۱۳۷۹، ص. ۵۲).

بنابراین برای آنکه فعل شخص از مصادیق اتلاف قلمداد شود، لازم نیست عمل او بی‌هیچ واسطه، منجر به ورود زیان گردد؛ بلکه کافی است زیان به لحاظ عرفی مستند به عمل وی باشد و وجود واسطه نیز مادامی که مانند سبب (شرط)، جنبه اقتضائی و احتمالی به خود نگرفته باشد، مانع از استناد عرفی زیان به عمل شخص نخواهد بود. افزون بر این نباید تصور کرد که عرف در استناد تلف به فعل یک شخص لزوماً به دنبال کشف حقیقت است. همچنان‌که در بحث تعدد اسباب، مسبب دانستن یک سبب از میان اسباب به منزله نفی سببیت سایر اسباب نیست، بلکه به دلیل تسهیل در رسیدگی قضایی به دعوای مسئولیت مدنی است (قربان‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۱۹). بنابراین، استناد زیان به فعل زیان‌بار جنبه اعتباری دارد و لزوماً کشفی و واقعی نیست. تا جایی که گفته می‌شود، کافی است بین فعل شخص و زیان، رابطه سببیت عرفی احراز شود، هر چند که در فاصله میان فعل و زیان عوامل دیگری نیز زمینه‌ساز را فراهم کند (میرشکاری، ۱۳۹۷، ص. ۳۰۹). همان‌طور که بیان شد، اگرچه گاه زیان با وجود واسطه و با استفاده از ابزار وارد می‌شود؛ اما عرف تردیدی در انتساب زیان به فعل آخرین شخص مختار نمی‌نماید. عدم تردید عرف، نقش واسطه‌ها را در ورود زیان به قدری کم‌رنگ می‌سازد که می‌توان وجود آن را نادیده گرفت و زیان را به صورت مستقیم به فعل شخص نسبت می‌دهد.

در خصوص زیان ناشی از کالاها نیز، در صورتی که اثبات شود زیان از عیب کالا نشئت گرفته است، عیب مستقیماً به تولید کالا مستند است و تولید بی‌هیچ واسطه به

تولیدکننده استناد دارد. بنابراین عرف می‌تواند به سادگی وجود واسطه‌ها را نادیده انگارد و ارتباط مستقیم زیان به تولیدکننده را به صورت اعتباری برقرار سازد. بدین‌سان، در فرضی که زیان بدون استفاده زیان‌دیده یا دخالت سایر اشخاص، وارد شده و این زیان ناشی از کالا باشد، تولیدکننده به عنوان آخرین اراده‌ای که زیان می‌تواند مستند به فعل او (تولید کالا) باشد، مستند گردد، فارغ از اینکه کالا معیوب باشد یا خیر.

بنابراین اگر وجود عیب در کالا، می‌تواند نمایانگر تقصیر تولیدکننده در فرایند تولید باشد، در فرض ورود زیان از کالا بدون دخالت سایر اشخاص، احراز رابطه سببیت بدون در نظر گرفتن تقصیر (عیب تولید) نیز میسر است و همین‌که رابطه بین زیان و کالا اثبات شود، بدون نیاز به اثبات عیب یا تقصیر، مسئولیت در نتیجه اتلاف برقرار خواهد بود. فارغ از اینکه ایراد خسارت از سوی کالا، بدون آنکه عامل دیگری دخیل در بروز زیان باشد، خود ظهور بر وجود عیب در کالا دارد.^۸

۲-۲-۲. تسبیب؛ مبنای مسئولیت کالاها در فرض تعدد عوامل زیان

زمانی که چند عامل در ورود زیان مؤثر هستند، مانند آنکه پزشکی دارویی را برای بیمار خود تجویز می‌کند و بیمار بر اثر استفاده از دارو، زبانی را متحمل می‌گردد، انتساب زیان به یکی از عوامل که برخی مباشر و برخی مسبب هستند، یکی از دشوارترین مباحث در حقوق مسئولیت مدنی است که این موضوع ذیل عنوان اجتماع سبب و مباشر در فقه و حقوق مورد بررسی قرار گرفته است (ر.ک: امینی و عنایت‌تبار، ۱۳۹۷، صص. ۴۷-۵۵).

به عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت در حالت تساوی سبب و مباشر از حیث ضعف و قوت، مباشر رابطه سببیت بین سبب و زیان را قطع می‌کند، اما در صورت قوت سبب از مباشر، رابطه سببیت بین سبب و زیان وجود داشته و سبب مسئول جبران خسارت وارده است (امینی و عنایت‌تبار، ۱۳۹۷، ص. ۴۷).

در فرضی که خسارت ناشی از کالا ملازمه با استفاده از آن دارد، به دلیل آنکه مصرف‌کننده کالا را در اختیار دارد، ممکن است در نگاه نخست، عرف، زیان ناشی از کالا را به استفاده‌کننده از آن نسبت دهد. لذا مباشرت در استفاده از کالا از نگاه عرف،

مباشرت در ایراد خسارت ناشی از کالا نیز به‌شمار می‌رود.^۹

بنابراین ممکن است گفته شود با دخالت مصرف‌کننده، رابطه سببیت بین ورود زیان و فعل تولیدکننده قطع شده و با وجود مباشر (مصرف‌کننده) خسارت منتسب به او است. در پاسخ باید گفت؛ در قضیه تسبیب، فقط مسبب است که با ایجاد سبب باعث ورود ضرر می‌شود و در فرضی که مباشری وجود داشته باشد، موضوع از مصادیق تسبیب نخواهد بود؛ لذا تمامی مثال‌هایی که درخصوص سبب اقوی از مباشر بیان شده است، از مصادیق قاعده غرور می‌باشد (میرحسینی و آب‌سواران، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۹). در واقع غرور، رابطه اراده‌های میانی را با اختیار قطع می‌نماید و این‌گونه است که زیان، نتیجه مستقیم عمل غارّ خواهد بود. مانند آنکه شخصی دیگری را به خانه خویش دعوت کند و با غذایی مسموم از میهمان پذیرایی نماید. اگرچه در این مثال، میهمان، شخصاً غذا را می‌خورد، اما اراده او به خوردن غذایی سالم تعلق گرفته و وضعیتی که میزبان فراهم آورده موجب غرور وی شده است. بدین‌سان می‌توان گفت زیان ناشی از خوردن غذای مسموم، مستقیماً نتیجه وضعیتی است که میزبان فراهم آورده است. به همین دلیل است که گفته می‌شود: هرگاه شخصی دیگری را فریب دهد و در نتیجه موجب تلف مالی از او گردد ... باید زیان فریب‌خورده را جبران نماید (شهابی، ۱۳۴۱، ص. ۷۵).

بنابراین شخص غارّ ضامن زیان‌هایی است که در اثر فریب او بر مغرور وارد شده یا مغرور به دیگران وارد ساخته است (لطفی، ۱۳۷۹، الف، ص. ۶۶). در مسئولیت ناشی از عیب کالا نیز مصرف‌کننده، اراده استفاده از کالایی سالم و بی‌نقص را دارد و آنچه منجر به ایراد خسارت به مصرف‌کننده یا سایر اشخاص در نتیجه استفاده از کالا می‌شود، عیبی نهفته در کالا است که ایجاد آن منتسب به تولیدکننده است.

در مسئولیت ناشی از غرور، تفاوتی بین علم و جهل غار نیز وجود ندارد و هر چند شخص غار قصد فریب دادن مغرور را نداشته باشد، مسئولیت برعهده وی خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص. ۶۰). به بیان دیگر در غرور لازم است تلف شدن مال از نگاه عرف مستند به غار باشد (انصاری، بی‌تا، ص. ۱۴۶). به همین دلیل است که گفته می‌شود «در همه انواع تسبیب در حقوق اسلامی، تقصیر از ارکان مسئولیت نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد وجود رابطه عرفی میان کار مسبب و ورود زیان به دیگری است»

(محقق داماد، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۱). بنابراین اثبات این موضوع از سوی تولیدکننده که از عیب کالا بی‌اطلاع بوده است، مانع از مسئولیت وی نخواهد بود. با وجود این، قاعده غرور در فرضی که مغرور آگاه به تدلیس و فریب باشد اجرا نمی‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۰ و لطفی، ۱۳۷۹، ب، ص. ۷۷) و جهل مغرور یکی از شرایط اصلی قاعده غرور است (لطفی، ۱۳۷۹، ب، ص. ۷۸). بنابراین در صورتی که عیب آشکاری در کالا موجود باشد یا به هر ترتیب دیگری تولیدکننده آگاهی مصرف‌کننده را در خصوص عیب کالا اثبات نماید، مسئولیت متوجه مصرف‌کننده خواهد بود.

در چنین فرضی اثبات وجود عیب در کالا به منظور قوت سبب نسبت به مباشر و انتساب عیب به کالا و به تبع آن به تولیدکننده کالا، ضروری است. چرا که بدون وجود عیب، اساساً غروری محقق نشده است تا منجر به استناد رابطه سببیت به غار گردد.

نتیجه‌گیری

در حقوق کشورهای نظیر آمریکا و فرانسه، از دیرباز مسئولیت مبتنی بر تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت مورد پذیرش قرار گرفته و یا اثبات تقصیر در برقراری مسئولیت مؤثر است. این در حالی است که بر اثر تحولات صنعتی و گسترش تولید کالاهایی که ممکن است زیان‌های فراوانی را به جان و مال اشخاص وارد کنند، تحمیل بار اثبات تقصیر به زیان‌دیده، گزاف بوده و مبنای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر را در خصوص زیان‌دیدگان از کالاها، ناکارآمد می‌نمود. به همین دلیل، رویه قضائی و به تبع آن قانون‌گذار در این کشورها، در صدد معافیت زیان‌دیده از کالاها، از اثبات تقصیر برآمدند و این‌گونه بود که در نهایت، مسئولیت محض (مسئولیت بدون تقصیر) به عنوان اصل در مسئولیت مدنی کالاها در این کشورها مورد پذیرش قرار گرفت. با وجود این، همچنان اثبات عیب کالا، یکی از مهم‌ترین ارکان مسئولیت محض تولیدکنندگان به شمار می‌رود و زیان‌دیده‌ای که از دانش کافی در خصوص کالاهای متنوع برخوردار نیست، ممکن است در اثبات عیب کالا نیز به دشواری افتد. در نظام حقوقی ایران که از قواعد فقه اسلامی منبعث است، اتلاف بالمباشره و بالتسبیب، به عنوان مبنایی مستقل برای مسئولیت بدون تقصیر به شمار می‌رود، بنابراین در

صورت تطبیق مسئولیت مدنی کالاها با اتلاف و تسبیب نیازی به وضع قانون جدید به منظور برقراری نظام خاص مسئولیت در خصوص تولیدکنندگان وجود نخواهد داشت. در فرضی که کالا به صورت مجرد و بدون دخالت سایر عوامل منجر به ایراد خسارت گردد، زیان ناشی از کالا به صورت اعتباری به فعل تولید منتسب بوده و ایراد ناگهانی خسارت نیز ظهور در وجود عیب در کالا دارد، بنابراین در چنین فرضی، تولیدکننده متلف به شمار می‌رود و بدون آنکه نیازی به اثبات تقصیر یا حتی وجود عیب باشد، مکلف به جبران خسارت وارده خواهد بود. در مقابل در فرضی که افزون بر کالا، عواملی نظیر استفاده‌کننده از کالا در ورود زیان نقش داشته باشند، انتساب زیان به تولیدکننده منوط به اثبات عیب کالا است. وجود عیب در کالا علاوه بر اینکه به خودی خود می‌تواند تقصیر به شمار رود، از آنجا که اراده استفاده‌کننده از کالا به استفاده از کالای سالم تعلق گرفته است، تولیدکننده‌ای که کالای معیوب را در اختیار او گذاشته مانند غازی است که دیگری را مغرور ساخته و از این جهت، سببی اقوا از مباشر به شمار می‌رود و این‌گونه بار مسئولیت را بر دوش خواهد کشید.

یادداشت‌ها

1. Report from the commission to the European parliament, the council and the European economic and social committee, on the Application of the Council Directive on the approximation of the laws, regulations, and administrative provisions of the Member States concerning liability for defective products (85/374/EEC). (2018), P: 1, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:52018DC0246&from=EN>.
۲. در اصلاحات سال ۲۰۱۶ در ماده ۱۲۴۵ ذکر شده است.
۳. پیش از سال ۱۹۱۶ طرح دعوی مسئولیت مدنی کالاها به طور کلی بر مبنای نظریه نسبیت قراردادها محدود شده بود که مقرر می‌داشت، طرح دعوی که از عدم اجرای تعهدات قراردادی نشئت گرفته باشد، صرفاً از سوی طرفین قرارداد امکان‌پذیر است. رأی دادگاه در دعوی مک‌فرسون به طرفیت شرکت بیوک موتورز (MacPherson v Buick Motor Co) فرآیندی را آغاز کرد که نتیجه آن منسوخ شدن اصل نسبیت قراردادها در دعوی مسئولیت مدنی بود.

۴. چنانکه دادگاه آمریکایی در دعوی دوناف به طرفیت استیونسن (Available at: <https://www.bailii.org/uk/cases/UKHL/1932/100.html>, Last visited: 27.9.2019

موسوم به قضیه «حلزون در بطری» در سال ۱۹۳۲ میلادی، از اعمال قاعده موصوف خودداری نموده است؛ همچنانکه سه سال قبل در دعوی مولن به طرفیت بار اند کمپانی دادگاه وظیفه مراقبت را برای تولیدکننده نوشیدنی که وجود موش در بطری آن موجب اضطراب مصرف‌کننده شده بود، در نظر نگرفت:

(Available at: <https://swarb.co.uk/mullen-v-barr-and-co-ld-and-mgowan-v-barr-and-co-ld-1929>, Last visited: 27.9.2019).

۵. به طور مثال در صورتی که شخصی از سگ خود محافظت ننماید و سگ مالی را تلف کند، صاحب سگ ضامن خواهد بود؛ زیرا در حفظ و نگهداری آن کوتاهی (تفریط) کرده است؛ اما اگر شخصی بدون اجازه وارد خانه دیگری شود و از سگ صاحب خانه به او آسیبی رسد، صاحب سگ ضامن نیست؛ چرا که آن شخص در ورود بدون اجازه به خانه دیگری، کوتاهی (تفریط) کرده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص. ۷۹ و نیز مفید، ۱۴۱۰ق، ص. ۷۷۰).

۶. ایشان در برخی مثال‌ها در باب تسبیب، به مفهوم تقصیر نیز اشاره می‌نمایند: اگر شخصی کودک خود را به معلم شنا بسپارد و بر اثر کوتاهی (تفریط) معلم، کودک غرق شود، معلم ضامن خواهد بود و اگر شخص مورد آموزش، بالغ باشد، معلم ضامن نیست، چرا که کوتاهی از آن شخص است (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۰۲۵).

۷. نظیر اینکه با فشردن یک کلید، برق جریان می‌یابد و جریان برق در شرایط خاصی موجب جرقه می‌گردد و جرقه در محیط مملو از گاز، آتشی می‌فروزد و سرایت آتش بر اثر باد، منجر به سوختن انبار می‌گردد. در چنین فرضی به رغم وجود کلید، برق، جرقه، گاز و باد، تردیدی در انتساب آتش به فشردن کلید وجود ندارد؛ چرا که هیچ‌یک از عوامل از اراده و اختیار برخوردار نیستند.

۸. مانند آنکه خودرویی، در حالت ثابت و بدون آنکه مورد استفاده قرار گیرد، به ناگاه مشتعل می‌گردد و این اشتعال منجر به انفجار شده و جان و مال ده‌ها نفر را دچار حریق می‌کند. در این مثال، بدون آنکه نیازی به اثبات عیب آن باشد، زیان ناشی از خودرو به تولیدکننده منتسب است، اگرچه اشتعال ناگهانی خودرو، خود ظهور بر عیب آن در زمان تولید دارد.

۹. به طور مثال، شخصی که در حال راندن خودرو، تصادف می‌کند، هر چند تصادف به دلیل عملکرد ضعیف ترمز خودرو باشد، عرف زیان ناشی از تصادف را به راننده نسبت می‌دهد. همچنین زمانی که دست یک تراشکار هنگام استفاده از دستگاه تراشکاری آسیب ببیند، هر

چند زیان وارده در نتیجه انحراف تیغه دستگاه باشد، در نگاه اول، آسیب به نحوه استفاده تراشکار از دستگاه نسبت داده می‌شود.

کتابنامه

۱. ابدالی، مهرداد (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مبنا و حدود مسئولیت ناشی از عیب تولید در حقوق ایران، فرانسه و دستورالعمل جامعه اروپا». مجله حقوقی دادگستری، (۷۸).
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه.
۴. اسماعیل تبار، احمد (۱۳۸۲). «مبنای قانونمندی انسان در فقه امامیه». رواق اندیشه، (۱۷)، صص. ۳۳-۴۶.
۵. امامی، حسن (۱۳۹۰). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیة.
۶. امینی، منصور و عنایت تبار، رشید (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان». مطالعات حقوق تطبیقی، (۱)۹، صص. ۴۲-۶۴.
۷. امینی، منصور؛ عابدیان، میرحسین و کرمی، سکینه (۱۳۹۱). «نحوه مقابله نظام‌های حقوقی با شروط ناعادلانه قراردادی و سکوت قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در ایران». مجله تحقیقات حقوقی، (۵۹)، صص. ۱۷۱-۲۱۲.
۸. انصاری، محمدعلی (۱۴۱۴ق). حکم الائلاف فی الفقه الاسلامی. بی‌جا: الفکر الاسلامی، العدد ۲.
۹. بی‌نام (۱۳۷۵). مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور.
۱۰. پوریافرانی، حسن؛ یگانه دلپاک، الهام و طباطبایی، سید محمد (۱۳۹۳). «یگانگی یا دوگانگی تسبیب در حقوق مدنی و کیفری». حقوق خصوصی، (۲۵)، صص. ۲۶۳-۲۹۰.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). الفارقی. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۲. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی کالاهای. تهران: نگاه معاصر.
۱۳. حائری شاه‌باغ، علی (۱۳۸۲). شرح قانون مدنی. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۴. حسینی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة

المدرسين.

۱۵. رشتی، حبیب‌اله (بی‌تا). کتاب الغصب. بی‌جا: بی‌نا.
۱۶. شهابی، محمود (۱۳۴۱). قواعد فقه. تهران: انتشارات فرید.
۱۷. صاحب جواهر، محمدحسین (۱۳۶۲). جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. صالحی‌راد، محمد (۱۳۷۸). «تسبیب و وجوه آن». مجله حقوقی دادگستری، (۲۸ و ۲۹)، صص. ۳۷-۶۶.
۱۹. صفایی، حسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). تهران: انتشارات سمت.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۲۱. عدل، منصور (۱۳۸۹). حقوق مدنی. تهران: انتشارات خرسندی.
۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ه.ق). ارشاد الازهان الی احکام الایمان. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). موجبات ضمان. تهران: انتشارات میزان.
۲۴. قربان‌پور، محمد مهدی (۱۳۸۵). «تقصیر و رابطه سببیت در نظام مسئولیت مدنی». مجله حقوقی دادگستری، (۵۴)، صص. ۹-۳۶.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۸۶)، صص. ۱۷۹-۱۹۸.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). الزام‌های خارج از قرارداد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. کاشف‌الغطاء، حسن (بی‌تا). أنوار الفقاهة (کتاب الغضب)، مکتبه کاشف الغطاء العامة.
۲۸. لطفی، اسداله (۱۳۶۷). مباحث حقوقی شرح لمعه. تهران: انتشارات مجد.
۲۹. لطفی، اسداله (۱۳۷۹ الف). موجبات و مستقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران. تهران: انتشارات مجد.
۳۰. لطفی، اسداله (۱۳۷۹ ب). «قاعده غرور». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۴۷)، صص. ۵۹-۹۰.
۳۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). شرایع الاسلام فی مسائل الاحلال و الحرام، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: نشر استقلال.
۳۲. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶). قواعد فقه (بخش مدنی). تهران: نشر علوم اسلامی.

۳۳. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۸). «تحولات اجتهادی شیعی: مکتب‌ها حوزه‌ها و روش‌ها (۴): (احکام تکلیفی و وضعی از نظر محقق خراسانی)». فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۵۰)، صص. ۲۵-۴۸.
۳۴. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۵. مراغی، میرعبدالفتاح (۱۳۷۹). «اتلاف و غرور». ترجمه محمدجواد شریعت باقری. *مجله حقوقی دادگستری*، (۳۳)، صص. ۶۲-۴۷.
۳۶. مرعشی شوشتری، محمدحسن (۱۳۷۵). «قاعده تسبیب». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، (۲)، صص. ۲۲-۱.
۳۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۸. میرحسینی، سید احمد؛ آب‌سواران، حسن (۱۳۹۳). «بازپژوهی قاعده تسبیب و نقد قوانین آن». *آموزه‌های فقه مدنی*، (۱۰)، صص. ۱۲۵-۱۴۶.
۳۹. میرشکاری، عباس (۱۳۹۷). *رساله عملی در مسئولیت مدنی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۰. نراقی، محمد (۱۴۲۲ق). *مشارق الاحکام*. بی‌جا: الناشر: مؤتمر المولی مهدی النراقی.
41. BCouncil Directive 85/374/EEC of 25 July 1985 on the approximation of the laws, regulations, and administrative provisions of the Member States concerning liability for defective products, <http://data.europa.eu/eli/dir/1985/374/oj>.
42. Bell, John. (2001). *French Legal Cultures*. London: Butterworths.
43. Borghetti, Jean-Sébastien (2017). "Product Liability in France". *European Product Liability an Analysis of the State of the Art in the Era of New Technologies*, Intersentia.
44. Duncan, Fairgrieve (2009). *Product Liability in Comparative Perspective*. Cambridge University Press.
45. Green, Michael D. and Jonathan Cardi (2017). United States of America, *European Product Liability an Analysis of the State of the Art in the Era of New Technologies*, Intersentia.
46. <https://swarb.co.uk/mullen-v-barr-and-co-ld-and-mgowan-v-barr-and-co-ld-1929>, last visited: 27.9.2019.
47. <https://www.bailii.org/uk/cases/UKHL/1932/100.html>, Last visited: 27.9.2019
48. Hylton, Keith N. (2016). *Tort Law. A Modern Perspective*, Cambridge University Press.
49. Ivory, Thomas Hafey (1937). Res Ipsa Loquitur, *Albany Law Review*, Vol. 7, Issue 2.
50. McKennett, Richard (1967). Products Liability-Strict Products Liability-Absoluteness of Strict Liability in Tort, *North Dakota Law Review*, Vol. 44, Issue 1.

51. Report from the commission to the European parliament, the council and the European economic and social committee, on the Application of the Council Directive on the approximation of the laws, regulations, and administrative provisions of the Member States concerning liability for defective products (85/374/EEC). (2018), P: 1, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:52018DC0246&from=EN>.
52. Sportes, Carole and Ravit, Valerie (2019). *France: Product Liability*, Available at: <https://iclg.com/practice-areas/product-liability-laws-and-regulations/france>, last visited: 2019.11.28.
53. Sudzus, David B. and Daniel B. Carroll (2019). *USA: Product Liability*, Available at: <https://iclg.com/practice-areas/product-liability-laws-and-regulations/usa>, Last visited: 2019.12.05
54. Turner, Frank G. (1936). *Law of Implied Negligence*. Miami, Fla., Turner Publ. Co.
55. Twigg-Flesner, Christian (2015). *The Cambridge Companion to European Union Private Law*, Cambridge University Press.
56. Whittaker, Simon (2010). *the Development of Product Liability*, Cambridge University Press.

